

## گزارش

آیین تکریم و معارفه معاون اجرایی رئیس

جمهور بر گزار شد،

### منصورى جايجرين مر تقوى

معاون اول رئيس جمهور گفت: کشور آماده جهش جدی در همه ابعاد است و در مباحث امنیتی، دیپلماسی و سیاسی به نقطه‌ای از بازدارندگی رسیده‌ایم که هیچ کشوری جرأت رویارویی با جمهوری اسلامی ایران را ندارد.

محمد مخبر در آیین تکریم و معارفه معاون سابق و جدید اجرایی رییس جمهور و سرپرست نهاد ریاست جمهوری گفت: آموز کشور آماده جهش جدی در همه ابعاد است و در مباحث امنیتی، دیپلماسی و سیاسی به نقطه‌ای از بازدارندگی رسیده‌ایم که هیچ کشوری جرأت رویارویی با جمهوری اسلامی ایران را ندارد.

معاون اول رییس جمهور با اشاره به رزج‌خوانی‌های رییس جمهور آمریکا تصریح کرد: کشور به مرحله‌ای رسیده است که هیچ گزینه نظامی نه روی میز و نه زیر میز دشمن قرار ندارد و قدرت‌های جهانی قادر نیستند هیچ تصمیمی در منطقه اتخاذ کنند جز اینکه نظر جمهوری اسلامی را گرفته باشند.

مخبر خاطر نشان کرد: به رغم پیشرفت‌های همه جانبه علمی و صنعتی و با وجود امکانات طبیعی و خدادادی هنوز به نقطه مطلوبی در زمینه اقتصادی نرسیدیم، اما دولت سیزدهم گام‌های بلندی در سررمایه گذاری‌های جدید برداشته و با دستور رییس جمهور برای تعریف پروژه‌های جدید و اجرای طرح‌های عمرانی و زیرساختی منابع قابل توجهی اختصاص داده شده که تمامی این طرح‌ها در حال آماده سازی و یا آغاز عملیات اجرایی است.

وی با اشاره به مزیت‌های کشور در بخش ترانزیت تأکید کرد: در سفر به روسیه تمام نخست وزیران کشورهای حاشیه در پای خزر به دنبال انجام مذاکرات و توافقات با جمهوری اسلامی در زمینه ترانزیت و حمل کالا و مسافر بودند.

مخبر ادامه داد: می‌توان با اتصال ۱۷۰ کیلومتر مسیر ریلی به آستارا و ۲۰ کیلومتر به بصره تا کشورهای حوزه اسکندیناوی و دریای مدیترانه برای حمل کالا و بار و مسافر در منطقه دسترسی‌های لازم و سریع فراهم کنیم.

معاون اول رییس جمهور با بیان اینکه بهره گیری از امکانات، سرمایه و مدیریت مردم از رسالت‌های جدی مدیران دولت سیزدهم برای پیشرفت و آبادانی کشور است، گفت: دولت باید بستر و زمینه‌های لازم برای حضور و مشارکت مردم را فراهم کند و اگر مردم به میدان پیشرفت کشور بیایند مشکلات کشور در ظرف مدت بسیار کوتاهی قابل حل است.

مخبر تصریح کرد: در فعالیت‌های اقتصادی همواره دو محدودیت مدیریت و منابع وجود دارد که قطعا حضور مردم می‌تواند این محدودیت‌ها را تبدیل به فرصت و حل مشکلات کند.

معاون اول رییس جمهور همچنین در بخش دیگری از سخنان خود با قدردانی از خدمات سید صولت مرتضوی در زمان خدمت، رسانی در معاونت اجرایی رییس جمهور و سرپرست نهاد ریاست جمهوری، گفت: معاونت اجرایی از مسئولیت‌هایی است که حجم بالایی از مدیریت کارمندان دولت و ارتباط با آحاد مردم در سراسر کشور را به عهده دارد و از ویژگی‌های اصلی پذیرش این مسئولیت تواضع، فعالیت شبانه روزی و پیگیری مستمر مصوبات سفرهای استانی است.

مخبر با اشاره به سفر روز گذشته خود به منطقه محروم بشارگرد، گفت: گام دوم پشت سر گذاشتن محرومیت این منطقه آغاز شده و مصوبات حل مشکلات بشارگرد به گونهای تنظیم و اجرا شده که با اجرایی شدن آنها علاوه بر رفع محرومیت، این منطقه به یک نقطه قابل قبول و بر خوردار خواهد رسید. معاون اول رییس جمهور با تأکید بر اینکه مصوبات سفرهای استانی دولت سیزدهم کاملا موثربند و با رفع نیازها و تقاضاهای مردم هر منطقه تهیه شده است، گفت: اگر این مصوبات سفرهای استانی به خوبی اجرایی شود چهره کشور از لحاظ رفح محرومیت و پیشرفت و آبادانی کاملا تغییر خواهد کرد. سید صولت مرتضوی نیز در این مراسم با اشاره به ۳۱ سفر برنامه ریزی شده استانی و چندین سفر پروژه‌ای با محوریت رییس جمهور در دولت سیزدهم تاکنون گفت: توانستیم خدمت رسانی را از یاستور به دور ترین نقاط کشور ببریم و ارتباط چهره به چهره رییس جمهور با مردم همواره بدون تکلف و در سخت‌ترین شرایط آب و هوایی انجام شد.وی مساله شناسی در سفرها و نگاه نافذ رییس جمهور و دولت را از ویژگی‌های مهم سفرهای استانی دولت سیزدهم بر شرد و گفت: در این سفرها تعداد بالایی از مشکلات و مسائل هر

استان شناسایی و دستورات لازم برای پیگیری و اجرا به بهترین نحو صادر شده است تا جایی که تعداد قابل توجهی از واحدهای تولیدی غیر فعال و نیمه فعال به چرخه اقتصاد کشور باز گشته است. مرتضوی همچنین به دستورات و تأکیدات معاون اول رییس جمهور در پیگیری مصوبات سفرهای استانی اشاره کرد و ادامه داد: در دور دوم سفرهای استانی علاوه بر پیگیری باید به حل مشکلات فرهنگی، ازدواج و معیشت مردم توجه شود.

محسن منصوری معان اجرایی رییس جمهور در این مراسم با تأکید بر اینکه سفرهای استانی دولت سیزدهم یک خلق حماسه و راه میابیر خدمت رسانی به مردم است، گفت: مصوبات این سفرها از جنس سیاست گذاری و اقتصادی بود و باید در طراحی دور دوم سفرهای استانی از طرح مسأله و برنامه ریزی تاجرا مردم و بخش خصوصی در گیر شوند.

فرمانده تسلیحات هسته‌ای آمریکا،

## جنگ بزرگی در راه است اما کشتی ما در حال غرق شدن

ار تش آمریکا در یک سخنرانی با طرح هشدار ی به طرز نامعمول صریح گفت، تهدید هسته‌ای چین یک «مشکل قریبالوقوع» است، ریچارد عنوان کرد: طبق برآوردهی که من از سطح بازدارندگی خودمان علیه چین دارم، کشتی ما به آهستگی در حال غرق شدن است اما در هر صورت درگیر غرق شدن است و آن‌ها اساساً با سرعتی بیشتر از ما دارند توانمندی‌های خود را وارد عرصه میدانی می‌کنند.

ریچارد «چارلز ای. ریچارد» رئیس واحد فرماندهی استراتژیک

# سفر

نوعی فشار حداکثری از هر سو در کار

است تا نقش آفرینی گروه‌های میانجی مختل شود. مرور کنیم که چگونه بر اساس یک همسویی نظری با پس‌زمینه نگاه امنیتی در دو دهه اخیر، سیاست‌هایی دنبال شده که گروه‌های مرجع و نهادهای مدنی میانجی و حتی افرادی که با دارا بودن منزلت و نفوذ اجتماعی، قادر به تأثیرگذاری هستند به‌طور سیستماتیک با محدودیت‌های اعمال شده ضعیف شوند، به گونه‌ای که از کارکرد آنها به شدت کاسته شده است. در ادامه این روند، در دو انتخابات پیاپی، با محدودسازی مشارکت نمایندگان اقشار و طبقات مختلف و جریان‌های سیاسی، از کارکرد صندوق‌های رای به مثابه «نهاد میانجی خواست‌های بین‌نسلی» نیز کاسته شد. صندوق‌ها می‌توانستند و هنوز می‌توانند کارکرد گذرشدن نخبان، دیده شدن تمایلات نسلی و امنیت‌سازی را محقق کنند. پیش از این به هشدارها درباره آسیب‌پذیری جامعه میان‌تهی، جامعه‌ای که چهره‌های قابل اتکا و نهادهای میانجی در آن غایب هستند، توجه شد.

علوم اجتماعی یادآور می‌شود که سیاست‌های توده‌ستایانه و رابطه بی‌واسطه قدرت و توده‌ها، همچون تیغ دو دم عمل کرده و در بزنگاه‌های تاریخی لذت کوتاه‌مدت نبودن میانه‌های به‌ظاهر مزاحم به تلخی رویارویی مستقیم تبدیل می‌شود. این روزها، در پی ناآرامی‌های اخیر، کاملاً جای خالی افراد، نهادها و مراجع میانجی احساس می‌شود. این مسیر به‌مواجه نظام سیاسی با توده‌های جوان پرانکند منجر می‌شود که ساندن‌دهی‌های موقت خیابانی پیدا می‌کنند و بسدن میانجی راهی نیز برای گفت‌وگو و یک مفاهمه حداقلی فراهم نیست.

با کاهش مرجعیت رسانه‌ای در داخل، جهت‌گیری آنها در غیاب میانجی‌های داخلی (که بتوانند منطق گفت‌وگو را دنبال کنند) به سمت رسانه‌ها و برخی افراد و گروه‌های شناسخته شده در خارج از کشور سوق پیدا کرده است. بدون تردید چنین وضعیت خطرناکی زاینده سیاست‌های میانجی‌زدایی است. با این وصف، افراد و جریان‌های مصالحه‌گر که در جامعه حضور دارند و تلاش می‌کنند

که با تبیین‌های علمی و منصفانه به‌طور دلسوزانه جامعه را به سمت نوعی مفاهمه و اصلاح‌گری سوق دهند این بار از سوی جریان‌های برانداز ضدایرانی در خارج از کشور با ابزارهای مختلف رسانه‌ای و روانی مورد هجوم شدید و حذف از میانه قرار می‌گیرند. این جریان‌ات به دنبال قطبی کردن جامعه و ایجاد رودررویی‌های خونین و عمق بخشیدن به کینه‌های ماندگار، از هر گونه حرکت جریان‌های میانه پیشگیری می‌کنند و آن را مورد حمله قرار می‌دهند.

در کنار اجبار به افراد میانه با شانتاژ برای ساخت‌سازی و یا همسو کردن با خود، در روزهای اخیر با یکار بردن واژه‌هایی از قبیل «وسط‌باز»، «ماله کش» و... و همچنین تولید واژگانی پر از خشونت و زشتی، سعی دراز کاراندختن کنش سیاسی این افراد و یا وادار کردن آنها به همراهی با خود دارند. سلطه رسانه‌های جنگ‌طلب و تحریم‌طلب و در کنار آن، ضعف ساختاری رسانه‌های بزرگ و میدان نداشتن رسانه‌های مستقل، وضعیتی به‌وجود آورده که هشدار در قبال گسل‌سازان حرف‌های را دشوار می‌کند. به محض اینکه در قبال اوج‌گیری خشونت و موج‌سواری رسانه‌های وابسته که نه

برای هدف ناب اطلاع‌رسانی بلکه در خدمت سیاست‌بازان جهانی بدخواه ایران هستند و همچنین گسل‌سازی‌های قومی و مذهبی هشدار داده می‌شود، به‌طور خشونت‌باری افراد را به «وسط‌بازی» و از آن فراتر در یک عملیات روانی به نادرده گرفتن حق اعتراض هم متهم می‌کنند!

به نظر م وظیفه دلسوزی، روشنفکری و ایران‌خواهی این است که در حین مطالبه‌گری‌ها از حاکمیت، نباید تسلیم این شانتاژهای شناخته‌شده گسل‌سازانی شد که می‌کوشند با حربه «وسط‌بازی» میانجی‌ها را از عرصه سیاست بیرون رانده و میدان را به سوداگران سوریه‌سازی واگذار کنند. گسل‌سازانی می‌کوشند خطر سوریه‌شدگی را کم‌رنگ و حتی غیرممکن جلوه دهند. می‌گویند دیدید قومیت‌های گوناگون به‌ه خیابان آمدند و ایران را به سووداگران سوریه‌سازی می‌کوشند! این «خیابان‌های اعتراضی» مکان سوریه‌سازی نیست. من باور دارم سوریه‌سازی و تلاش برای سرمایه‌گذاری حول گسل‌های گوناگون مذهبی و غیرمذهبی در جای دیگری است: در اتاق فکرهای تحریم و جنگ، و در رسانه‌ها و دولت‌های پر کینه‌ای که مصادره



© آرش

اعتراض‌های مردم به سود جنگ و تحریم

بیشتر را در دستور کار خود قرار داده‌اند. سوریه‌سازی در خیابان‌های تهران، سقر، مشهد، اردبیل و... نیست، بلکه در واگشتن، تل‌آویو، ریاض و در اتاق فکرها

رسانه‌های وابسته به آنها شکل می‌گیرد. رسانه یک جنبش را نمی‌توان از پیام آن جنبش تفکیک کرد. رسانه‌ها بلندگوهای دولت‌های بدخواه ایران نمی‌توانند حامل شعار «زن، زندگی، آزادی» باشند. آن‌ها

تلاش می‌کنند شعار زندگی را به تحریم و حصر بیشتر کشور و زندگی‌زدایی از مردم معنا کنند. رسانه دانشمندان علوم ارتباطات مسوولی با پیام می‌دانند.

جوانان معترض مسا، آزادی سبک زندگی خود را می‌طلبند اما رسانه‌ها به مثابه ماشین‌های جنگ‌افروز، پیام محدود کردن نهادهای مدنی، اتحادیه‌ها و انجمن‌ها به خصوص انجمن‌های علمی کنار گذاشته شود. میدان دادن به افرادی که صدای آنها (حتی برای بخش‌های کوچکی از جامعه) شنیدنی است به آرام شدن شرایط و منطقی شدن مطالبات، خواهد انجامید. آینده ایران به هوشیاری، کنش مسئولانه و فداکارانه همه نخبگان اجتماعی وابسته است.

# سیاست Policy

NasleFarda.net

naslefardanews

nasifarda

جایگزین سیاست کرده‌اند. کلسبی تحریم

امروز با سوداگرای بازار خون، نفرت و کین‌توزی در هم آمیخته است.

من بیشتر در هر فرصتی از نقش تحریم‌ها به مثابه شکل جدیدی از جنگ سخن گفته‌ام که این بسار متفاوت از جنگ‌های پیشین، تمامیت ذهنی شهروندان را به مخاطره برده است. مردم در هیچ کجای کشور برای تشدید تحریم‌ها به خیابان نیامده‌اند، آن‌ها یک زندگی بهتر را مطالبه می‌کنند. با این وجود صدای اعتراضی جوانان ما مصادره می‌شود. آن‌چنان که گویی جوانان معترض خواهان عمیق‌تر شدن تحریم‌ها هستند.

مصادره اعتراض‌ها توسط لابی‌های شناخته شده تحریم، جنگ و تفرقه اکنون یک واقعیت غیرقابل انکار است. مصادره‌کنندگان جنبش اعتراضی جوانان به چیزی کمتر از جنگ داخلی و سوریه‌سازی ایران نمی‌اندیشند. برای مقابله با مصادره مطالبات اعتراضی جوانان، باید فضای تازه‌ای برای گفت‌وگو گشوده شود. باید همین معترضین بی‌نام و نشان را دعوت کرد تا در رسانه‌های رسمی کشور سخن خود را بگویند.

همچنین فضایی امن و فراجح به روی جوانان باز کرد تا سخن خود را بگویند و به این شیوه دموکراتیک می‌توان مصادره سخن اعتراضی آنان به سود لابی‌های اسرائیلی، سعودی و گروه‌های تروزیستی را غیرممکن کرد. همچنین در این روزها، گفت‌وگو با نهادهای مختلف علمی، دانشگاهی، گروه‌های اجتماعی و اتحادیه‌های مختلف و فراهم ساختن امکان شنیده شدن صداها از رسانه‌های داخل، می‌تواند زمینه‌ساز مفاهمه داخلی شده‌واز صدای کینه‌توزانه‌ای که استراتژی «خون‌بیشتر» را در سطح جامعه دنبال می‌کند بکاهد. ضروری است سیاست محدود کردن نهادهای مدنی، اتحادیه‌ها و انجمن‌ها به خصوص انجمن‌های علمی کنار گذاشته شود. میدان دادن به افرادی که صدای آنها (حتی برای بخش‌های کوچکی از جامعه) شنیدنی است به آرام شدن شرایط و منطقی شدن مطالبات، خواهد انجامید. آینده ایران به هوشیاری، کنش مسئولانه و فداکارانه همه نخبگان اجتماعی وابسته است.

منبع: دیپلماسی ایرانی

به گفته این فرمانده ارشد ارتش آمریکا، این ارتش اکنون ارتشی

دچار محدودیت‌های متعدد، کند در واکنش نشان دادن و با خطر کمبود بودجه و عقب ماندن از رقابیش مواجه است. این دریادار آمریکایی همچنین تأکید کرد، کشورش لازم‌است پویایی و روحیه خودباوری دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ را بازیابی کند.

ریچارد در سخنرانی خطاب به یک گروه‌مایی در آرلینگتون ایالت ویرجینیای آمریکا به بحران جنگ اوکراین پرداخت و گفت: بحران اوکراین که ما هم اکنون در آن به سر می‌بریم فعلاً در حد دست گرمی است. جنگ بزرگ در راه است و خیلی طول نخواهد

کشید که ما به شیوه‌هایی که مدت‌هاست در آنها آزموده نشده‌ایم

محک زده شویم.

ریچارد که از نوامبر ۲۰۱۹ رئیس فرماندهی استراتژیک ارتش آمریکا مشهور به استراتکام بوده طبق توصیف پنتاگون مسئول فرماندهی جهانی و کنترل نیروهای استراتژیک آمریکا با هدف برآورده کردن اهداف امنیت ملی تعیین کننده است. این دریادار آمریکایی تصریح کرد، طرز فکر فعلی ارتش آمریکا منسوخ شده و قدرت نمایی‌های هسته‌ای ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه نشان داده که تجدیدنظر فوری در این طرز فکر ضروری است.

### سرمقاله

ادامه از صفحه یک

اما این بار با لحنی مبهم، به تأیید موضوع برخاست. اکنون سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا وزیر امور خارجه از همان ابتدا از ارسال پهنادها به روسیه آگاه بوده و براساس نوعی مصلحت سنجی اقدام به تکذیب گزارش‌ها کرده است یا اینکه وی بی‌خبر بوده و اخیراً از این موضوع آگاه شده‌است؟ که در هر دو صورت این مسئله برای مقامات وزارت خارجه بار حقوقی و سیاسی بسیاری دارد. مضاف براینکه از فحواى سخنان مبهم امیرعبداللهیان چنین برداشت می‌شد که وی اصل خبر ارسال پهنادها به روسیه را انکار نمی‌کند، بلکه استفاده از آنها را در جنگ اوکراین، خلاف توافق صورت گرفته با مسکو می‌داند. در ایسن رابطه هم باید گفت درست است که بعد از لغو تحریم تسلیحاتی ایران توسط سازمان ملل متحد علیه ایران، هیچ مانع رسمی برای تهران و مسکو برای خرید و فروش سلاح وجود ندارد، اما ایران واقعا نمی‌دانست ممکن است روزی این سلاح‌ها در حالت بازدارندگی خارج شده و توسط روسها که به شدت هم روحیه کشور گشایی دارند مورد استفاده قرار گیرد و این مسئله برای ایران مشکل ساز شود؟

**فشارهای بین المللی بر جمهوری اسلامی تشدید خواهد شد**

اعتراف دیر هنگام تهران مبنی بر ارسال پهناد به روسیه بدون شک تبعات خاص خود را برای کشور به دنبال خواهد داشت. با این موضع گیری وزارت امور خارجه عملاً بستر برای فشار مضاعف به تهران شکل خواهد گرفت و تفاوتی هم نخواهد کرد که ایران این پهنادها را قبل از تجاوز روسیه به اوکراین داده است یا بعد از آن؛ چرا که مهمترین دستاویز غرب صرفاً به همین اعتراف امیرعبداللهیان باز می‌گردد که می‌تواند مبنایی برای تشدید همه‌جهمای سیاسی، دیپلماتیک و رسانه‌ای علیه ایران باشد. از پیامدهای این مسئله این است که امکان دارد ایران در ارتباط با جنگ اوکراین شامل تحریم‌های بیشتری بشود. علاوه بر تحریم‌های انفرادی کشورها، فضا برای جولان در سازمان ملل و شورای امنیت نیز فراهم خواهد شد. این درحالی است که اعضای شورای امنیت سازمان ملل این اقدام ایران را نقض قطعنامه ۲۲۳۱ می‌دانند. پیامد بعدی، شدت گرفتن عملیات تخریبی اسرائیل است که اغلب هدف آنها صنایع پهنادی و همچنین ترور دانشمندان پهنادی و هوافرا را شامل می‌شود. همچنین امکان دارد اوکراین میدان منازعه بعدی ایران و اسرائیل شود. مضاف بر اینکه این مسئله باعث ترغیب هرچه بیشتر کشورهای منطقه برای ائتلاف مشترک با هم و اسرائیل و تسریع شدن روند ایجاد پادفند یکپارچه می‌شود. اما مهم‌ترین پیامد این ماجرا برای ایران، مرگ برجام است. با اعتراف ایران می‌توان پیش بینی کرد که امکان دست یافتن به توافق برجام کم‌رنگ‌تر شود و به نوعی باید از کم‌تون از مرگ برجام سخن گفت، چرا که در مذاکراتی مثل مذاکرات احیای برجام طرف‌ها تلاش می‌کنند تا از همه اهرم‌های استفاده کنند. الان هم طرف‌های غربی تلاش می‌کنند هم از شرایط داخلی ایران و هم از موضوع ارسال پهنادها در مذاکرات استفاده کنند تا ایران را تحت فشار قرار دهند.

**به نگاه افکار عمومی بی اعتنا نباشید!**

انکار، انکار و انکار و بعد پذیرش به نظر می‌رسد که این به عادت بد و نامیمون درعرصه سیاست گذاری ما تبدیل شده و چندان تفاوتی هم ندارد در عرصه سیاست داخلی باشد یا خارجی، نخستین واکنش ما نسبت به هر خبر و بحرانی در مرحله اول بدون اندیشیدن به تبعات احتمالی آن انکار یک موضوع است، آن هم در دنیای کنونی که تکذیب یا کتمان اقدامی که از راه‌های گوناگون قابل اثبات است، فقط بی‌اعتمادی به دنبال خواهد داشت و از آن پس، تمام ادعاهای مطرح شده، مورد تردید قرار خواهد گرفت و امکان پیشبرد هر نوع سیاست هم در داخل و هم در نظام بین‌الملل منفی خواهد شد. بدون شک برای غرپ چندان تفاوتی نمی‌کند موضع گیری ما نسبت به این موضوع چه باشد؛ چرا که آنها براساس شواهد و سیاست‌های خود عمل می‌کنند و با ایران قبل از جنگ به روسیه پهناد داده یا بعد از جنگ اما این موضع گیری مقامات ایرانی در افکار عمومی عامه چه داخلی و چه بین‌المللی می‌تواند بسیار مهم و تأثیر گذار باشد. برای افکار عمومی و بحث روایت‌سازی این موضوع حائز اهمیت است، موضوعی که متأسفانه طبق معمول از آن غافل بودیم.

تظاهرات ضداسرائیلی فلسطینی‌ها در کنار یک ایست بازرسی اسراییل در شهر نابلس در کرانه باختری.

منبع: اسپوتنیک

(هشدار تصویر آزار دهنده) جنازه یک فرد کشته شده در اثر حملات موشکی اوکراین در منطقه تحت کنترل روسیه در شرق اوکراین.

منبع: رویترز